

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۷ اکتوبر ۲۰۲۱

استعمار و بازی با شخصیت های پوشالی

شنبه- ۲۴ میزان ۱۴۰۰ - کابل: تاریخ نشان داده است که قدرت های استعماری، بعد از اشغال یک کشور و تغییر سیاست شان از نمایش زور و قدرت عریان، به فریب و نیرنگ، یکی از ترفند هائی را که جهت استعمار توده های میلیونی کشور اشغال شده به کار برده اند، تبلیغ برای افراد نزدیک و یا نوکر خودشان و تخطئه افرادی که با آنها مخالف باشند و یا هم زاویه دید شان فرق نماید.

در چنین مرحله ای استعمار کوشیده است آدمک هایش را به مثابه "آدم"، "دانشمند"، "پروفسور"، "انجنیر"، "مولوی"، "آیت الله" و ... به خورد مردم داده، آنقدر برای آنها تبلیغ دارد تا ذهنیت های عامه را مطابق به خواست خودشان دستکاری نمایند. ما، به خصوص آنهایی که سن و سال شان اجازه می دهد، این روند "قیمت سودا کردن" اموال بنجل را حد اقل از همان آغاز کودتای ثور شاهدیم.

با در نظر داشت این که استعمار متناسب به ضرورت های خودش و سطح فکری مردم، به تبلیغ شخصیت های پوشالی و کذائی می پردازد، یعنی در یک جامعه علمی می خواهد فردی را عالم و دانشمند معرفی دارد و در جامعه مذهبی که توده ها زودتر و بیشتر به دنبال رهبران مذهبی روان می شوند، شیخ و یا چلی بیسواد را آیت الله و یا هم مولوی معرفی می نماید.

چنانچه اگر به خاطراتان تان مانده باشد به محض پیروزی کودتای ثور، یکشنبه آدم غبی، کودن و نادانی مانند "نورمحمد تره کی"، به حیث "نابغه شرق" معرفی گردید، حفیظ الله امین، "قومندان دلیر ثور" همچنین ببرک کارمل چه و چه ... این که گفته اند خر که از خر پس ماند بینی اش از بریدن است، وقتی پاکستان مشاهده نمود که سوسیال امپریالیسم روس می خواهند "تره کی" کودن را "نابغه شرق" معرفی دارند، خود را کم نزده جنایتکار مکتب گریزی مانند "گلبدین" را "انجنیر"، "برهان الدین ربانی" که یکی از اسبستان های خشره در پوهنخی خشره پرور "شرعیات" بود، "پروفسور" و به همین قسم در مورد طلبه های سر زده به قم و یا مشهد، اعطای القابی از همان سنخ.

یکی از افرادی را که اشغالگران امپریالیستی خواستند بسیار بالا برده و از همان طریق بر گرده مردم سوار نمایند، که کردند، "غنی احمدزی" بود. "غنی احمدزی" که به جز فعالیت های استخباراتی و خدمت صادقانه به اشغالگران دیگر هیچ چیزی نمی دانست و این کمبود فهم را در وی اکثریت مردم افغانستان بر مبنای گفتارش درک نموده بودند، به یک باره به تعقیب "نابغه شرق تره کی"، شد "شخصیت متفکر دوم جهان".

اشغالگران و به تاسی از آنها رسانه های وابسته و مزدور، بدون آن که بگویند نفر اول کیست و اصولاً این آقا در کدام ساحه و زمینه به چنین مقامی دست یافته و مبنای ارزیابی چه بوده است، علی رغم بیسوادی ها و کمسوادی هائی که همه روزه از وی تبارز می یافت، باز هم فیلش را باد کرده، به کمتر از متفکر دوم جهان راضی نبودند. در تمام این نمایشات مضحک، آنچه انسان را وادار می سازد تا از "غنی احمدزی" ممنون باشد، عملکرد شخص "غنی احمدزی" بود، یعنی گذشته از این که وقتی دهن باز می کرد به گفته سعدی "به هر لفظ و معنی خطائی صریح" را مرتکب می شد، با سرقت ۱۶۹ میلیون دالر در دوام چپق های قبلی، آخرین چپقش را نیز زده، ثابت ساخت که می تواند در تشکیلات مافیائی، دومین فرد به شمار آید.

هموطنان گرامی!

این که "غنی احمدزی" چه مقدار پول برده است، علی رغم رقم درشت ۱۶۹ میلیون دالر، وقتی با سرقت های هفت ساله اش مقایسه گردد، زیاد بزرگ به نظر نمی رسد، آنچه در این میان از نظر من بسیار مهم است، چرخش ۱۸۰ درجه رسانه های وابسته به استعمار است که چگونه یک شبه، "متفکر دوم جهان" را به دستور اربابان شان، "سارق فراری" معرفی نموده ثابت ساختند که شخصیت های پوشالی به همان سان که زود باد می گیرند، با یک سوزن بادشان نیز از بین می رود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!